یادداشت

درس اول اقتصاد:

محدودیت منابع

سعید اعتمادی

● هفته گذشته در میان بهت و حیرت بسیاری از تحلیلگران مسائل اجتماعی، مردم سوئیس به همه‌پرسی پرداخت یارانه به همه مردم رأی منفی دادند. به یاد آوریم بعد از رأی چشمگیر در انتخابات ۹۲ ، مردم به دعوت رئیس‌جمهور برای انصراف داوطلبانه از دریافت یارانه رأی منفی دادند و بیش از ۹۰درصد برای دریافت یارانه ثبت‌نام کردند گرچه این رفتار دوگانه نیازمند تحقیق جامعه‌شناسی است اما از نظر فرهنگی نشانه تفاوت فرهنگ اقتصادی است. برآوردها در سوئیس نشان می‌داد که رأی مثبت مردم متضمن بار مالی ۲۰۰ میلیارددلاری و بروز تورم ۱۳درصدی خواهد بود که دود آن به چشم خود مردم خواهد رفت صرف‌نظر از آثار اجتماعی‌ای که این تصمیم دربر خواهد داشت. درست در همین زمان، گزارش مرکز بررسی‌های مجلس در صحن علنی از تخلفات و بی‌انضباطی‌های دولت نهم و دهم و گزارش تکان‌دهنده وزیر کشور از آسیب‌های اجتماعی ارائه شد. براساس گزارش مرکز تحقیقات مجلس، با توزیع یارانه نقدی «که برخلاف قانون انجام گرفت»، به‌طور کوتاه‌مدت ضریب جینی افزایش یافت اما با بروز تورم تمام آثار آن محو شد و دوباره ضریب جینی در سال ۹۳ به میزان سال ۸۹ بازگشت درحالی‌که دوبرابر بودجه عمرانی برای پرداخت یارانه نقدی هزینه شد. یعنی رقمی معادل ۱۲۰ هزار میلیارد تومان یا یک‌سوم بدهی دولت به نهادهای اقتصادی. اگر فقط بدهی دولت به کارآفرینان را که معادل ۵۰ هزار میلیارد است در نظر بگیریم، برای هر پروژه هم به‌طور متوسط پنج میلیارد تومان را در سال منظور کنیم، به تعداد ۱۰هزار پروژه می‌رسیم که حداقل صد نفر را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مشغول به کار می‌کرده است یعنی حداقل یک میلیون شغل به‌دلیل تعطیلی پروژه‌ها محقق نشده است که بنا بر گزارش مرکز تحقیقات، تعداد بی‌کاران به ۶،۵ میلیون نفر رسیده است. اگر برای هر پروژه که با بحران نقدینگی مواجه شده است حداقل ۲۰ پرونده قضائی مفتوح شود، سالانه فقط ۲۰۰ هزار پرونده به‌دلیل تعویق پرداخت‌های دولت به کارآفرینان در دستگاه قضائی گشوده شده است. حالا گزارش وزیر کشور رخ می‌نماید که از ورود ۶۰۰ هزار نفر به زندان و ماندن ۲۰۰ هزار نفر آنان در زندان خبر می‌دهد و منتهی‌شدن ۳۶ درصد ازدواج‌ها به طلاق. به یاد آوریم گفته دکتر طهماسب مظاهری را که احمدی‌نژاد محدودیت منابع را از اساس قبول نداشت و به ماشین‌های چاپ اسکناس فرمان داده بود که شبانه‌روز پول چاپ کنند و میزان نقدینگی را که در ۵۰ سال به ۷۰ هزار میلیارد تومان رسیده بود در هشت‌سال به ۶۵۰ میلیارد تومان رساند و با هزینه‌کرد بالغ بر ۸۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی - که برابر کل درآمد نفتی تاریخ ایران بود- رکورد رکود منفی پنج درصد و تورم ۴۰ درصد شکسته شد و وضعیتی را که شاهد هستیم به بار آمد. به‌عنوان مدلی برای مطالعه موقعیت اقتصادی در صورت تداوم آن سیاست‌ها، ونزوئلا بهترین نمونه است که در آنجا هم در انکار محدودیت منابع و جهل به قانونمندی گردش پول و نقدینگی جامعه «کارخانه چاپ اسکناس همچنان شبانه‌روز کار می‌کنند و در ۱۰ سال گذشته ارزش هر بولیواری از ۲،۶ در برابر یک دلار به حدود هزار واحد در برابر یک دلار رسیده است. دولت تدبیر و امید با درک درست این واقعیت‌ها در کارخانه چاپ بی‌پشتوانه اسکناس را سه‌قفله کرد اما در شرایطی که گشایش‌های واقعی ناشی از اجرای برجام پدیدار شده، برای نجات مجموعه‌های کارآفرین که زیر بار بدهی‌های کمرشکن، آخرین نفس‌ها را می‌کشند لازم است مطالبات آنان پرداخت شود.

خبر

آغاز پرداخت وام ۱۰میلیونی ازدواج در بانک ملت

● **ایسنا:** مدیرعامل بانک ملت از آغاز پرداخت تسهیلات ۱۰میلیون‌تومانی ازدواج و تهیه جهیزیه از اول مرداد در تمامی شعب این بانک در سراسر کشور خبر داد. علی رستگار، افزود: تسهیلات ۱۰۰میلیون‌ریالی ازدواج به هریک از زوجین پرداخت می‌شود و نرخ کارمزد آن چهار درصد و مدت بازپرداخت آن نیز ۴۸ ماه است.

پیشنهاد خوبی برسد ذوب‌آهن را می‌فروشیم

● رئیس هیأت‌مدیره شستا گفت: قرار نیست شستا، ذوب‌آهن را بفروشد اما اگر قیمت مناسبی پیشنهاد شود به این اقدام دست می‌زند. به گزارش اتاق ایران، مرتضی لطفی تأکید کرد به‌هرروی، این شرکت درصدد پرداخت بدهی‌های خود است.

نامه ۲۶ نماینده درباره سهام‌داران پدیده

● ۲۶ نماینده استان‌های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی در نامه‌ای به وزیر کشور خواستار تعیین تکلیف وضعیت سهام‌داران پدیده شاندیز شدند.

ناگفته‌های زیوری از ناکامی پروژه «چینی‌سازی» برند ملی

ناخنک چینی‌ها به کفش ملی

شرق: کفش ملی از برندهای قدیمی ایران و تقریبا هم‌ردیف ایران‌خودرو و کارخانه ارج است که حالا ورشکستگی‌اش را علم کرده‌اند. گرچه روزی‌روزگاری تولیدات کفش ملی ایران به اتحاد جماهیر شوروی، مجارستان، لهستان، رومانی و حتی اروپای‌غربی صادر می‌شد اما حالا روزگار دیگری است؛ کفش ملی فقط تولیدات محدودی در زمینه کفش ایمنی دارد و مابقی کفش‌هایی که در فروشگاه‌هایش عرضه می‌شود را از تولیدکنندگان دیگر می‌گیرد. به‌عبارتی، شرکت کفش ملی حالا به متصدی فروشگاه‌هایی برای عرضه کفش تبدیل شده است. کفش ملی ایران زمانی شاید جلال و جبروت داشته اما حالا می‌گویند کارخانه‌هایش به انبار کفش تبدیل شده و بخشی از آن هم در اختیار خودروسازی سایپاست؛ همان چیزی که روحانی نیز سه‌سال پیش در زمان کاندیداتوری برای انتخابات ریاست‌جمهوری از آن گلایه کرده بود.

فقط کافی است نگاهی به بازار بیندازید؛ بازار کفش ایران در قبضه چینی‌هاست. البته آن‌گونه که فروشندگان کفش می‌گویند، کفش‌های تایوانی، تایلندی و... هم در بازار هست اما حضور کفش‌های چینی به‌قدری غالب است که نام دیگر کشورها در سایه چین گم می‌شود. در شرایطی که ویترین فروشگاه‌های کفش، رنگ‌وبوی چین دارد و تولیدکنندگان ایرانی کفش، ورود بی‌رویه کفش‌های چینی را باعث و بانی فلاکت فعلی این صنعت می‌دانند، این سؤال مطرح می‌شود که شرکت کفش ملی، آیا آن‌گونه که از نامش برمی‌آید، فقط جنس وطنی و ملی می‌فروشد یا کفش‌های چینی توانسته‌اند آرمان و ادعای این برند کهنه‌کار را نیز بی‌رنگ و ناکار کنند.

کفش ملی چینی نداریم!

فروشگاه دونبش کفش ملی، با ویترین شیشه‌ای و شیک، نبش یکی از میدان‌های شلوغ تهران. یکی از ویترین‌ها به کفش کودکان و بانوان اختصاص یافته و آن دیگری مخصوص کفش‌های مردانه است. فروشنده سر صبر و کم‌حرف هر کفشی را که بخواهی برایت می‌آورد تا بپوشی و امتحان کنی. یکی، دو مدل که سفارش دادی، سلیقه‌ات دستش می‌آید و پیشنهاداتی رو می‌کند که شاید بپسندی.

از او درباره کیفیت کفش‌ها می‌پرسم. می‌گوید آن یکی، دو مدل کفشی را که امتحان کرده‌ام دوخت تبریز است و کیفیتشان خوب است. دو مدل کفش اسپرت مردانه که روی پیشخوان است را تولید تهران معرفی می‌کند. قیمت آنها ۱۲۶هزار تومان و ۱۶۴هزار تومان است که به نظرش مناسب است. از او می‌خواهم کفش اسپرت چینی برایم بیاورد تا هم ظاهرش شیک‌تر باشد و هم قیمتش مناسب‌تر. فروشنده فروشگاه کفش ملی، اول از باب نصیحت، سفارش می‌کند که کفش چینی نپوشم و بعد هم درحالی‌که کفش‌های قبلی را داخل کارتن می‌گذارد می‌گوید کفش چینی نداریم.

در قسمت کفش‌های کودکان فروشگاه کفش ملی یک خصوصیت مشترک با کفش‌های چینی بازار به چشم می‌خورد؛ روی هردو اینها عنوان برندهای مشهور را زده‌اند. قیمت‌هایشان هم پایین است. یک کفش ۲۴ هزار تومانی را به فروشنده نشان می‌دهم و می‌پرسم: از کی کفش ملی این برند را تولید می‌کند؟ کنایه حرفم را می‌گیرد، می‌فهمد که می‌خواهم مچش را بگیرم و ثابت کنم کفش چینی می‌فروشد. او ادعا می‌کند کفش ملی کفش‌هایش را از چندین تولیدکننده طرف قرارداد تهیه می‌کند و این برندها را تولیدکنندگانی روی کفش می‌زنند که شرکت کفش ملی محصولاتشان را خریداری می‌کند. می‌گوید کفش‌های ارزان‌قیمت چینی، پلاستیک تزریقی هستند و یک‌تکه، اما اینها دوخته شده‌اند و کیفیتشان هم بهتر است.

شخصی که در آن دوران واردکننده عمده کفش از چین بوده؛ از دست رئیس‌جمهوری وقت لوح صادرکننده نمونه گرفت. ادعا می‌کرد خودش تولید می‌کند؛ اما در یکی از موارد، با شرکت چینی تماس گرفتیم و قیمت را درآوردیم. آن زمان یک محموله کفش چینی وارد شرکت کفش ملی شد تا فروشگاه‌های کفش ملی را با همین کفش‌های چینی قبضه کنند

رد قدیمی از کفش ملی چینی

در میانه‌های خیابانی که اغلب مغازه‌هایش لوازم خانگی می‌فروشند، وارد فروشگاه کفش ملی می‌شوم. فروشگاه نسبتا بزرگ است و دو فروشنده دارد. از فروشنده جوانی که کفش‌ها را مرتب می‌کند می‌خواهم برایم چند جفت کفش خوش‌ساخت چینی بیاورد تا بتوانم انتخاب کنم. او بدون اینکه سرش را برگرداند، می‌گوید اینجا فروشگاه کفش ملی است، کفش خارجی نداریم. فروشنده سن‌وسال‌گذشته‌ای پشت صندوق نشسته و دارد سفارش مشتری را حساب‌وکتاب می‌کند، کارش که تمام می‌شود همان درخواست را برایش مطرح می‌کنم. او خوش‌روتر است؛ می‌گوید کفش‌های ما ایرانی است، شاید فکر کنی قیمتشان از چینی‌ها بیشتر باشد اما انصافا بعضی از آنها جنسشان هم بهتر است. به او می‌گویم شنیده‌ام فروشگاه‌های شما کفش‌های چینی هم دارید و برای اینکه شما شرکت معتبری هستید آمده‌ام از شما خرید کنم که کلاهی سرم نرود. او می‌گوید هفت، هشت‌سالی می‌شود برایمان کفش چینی نیاورده‌اند.

آن‌گونه که فروشنده ادعا می‌کند، حوالی سال ۸۷ یا ۸۸ یکی، دوبار شرکت برایشان کفش‌های چینی آورده و فروخته‌اند اما بعد از آن دیگر این اتفاق نیفتاده است. می‌گوید آن‌روزها هنوز کفش ایرانی به وضع امروز نیفتاده بود و کسی هم چندان رغبتی به کفش چینی نداشت.

به یک کفش ورزشی با نام یک برند معروف خارجی اشاره می‌کنم که داخل قفسه کودکان کنار چند لنگه‌کفش دیگر از برندهای خارجی دیگر گذاشته شده است. می‌پرسم این کفش چینی است یا اصل؟

او به همکارش می‌گوید جعبه کفش را بیاورد. یک نام ایرانی روی جعبه مقوایی سفید کفش نوشته شده اما مشخصه دیگری ندارد. فروشنده می‌گوید اینها تولید ایران است، البته خود کفش ملی آن را تولید نکرده چراکه کفش ملی دیگر به‌جز چند مدل کفش ایمنی، کفش دیگری تولید نمی‌کند اما برای جوربودن جنس، از فروشنده‌های متعدد محصول می‌خرد. طبق اظهارات فروشنده، تولیدکننده ایرانی برچسب برندهای مختلف را روی کفش‌هایش می‌زند تا مشتری بپسندد. به قول او، امروز روی جوراب‌هایی که در مترو می‌فروشند هم مارک‌های معروف اروپایی زده می‌شود.

هنوز نام کفش ملی، ملی است

فروشگاه کفش ملی در یکی از خیابان‌های ۱۲متری مرکز شهر، هنوز ظاهر مدرن به خودش نگرفته است. در ورودی اتوماتیک نیست، کنار دستگیره‌اش نوشته‌اند «بکشید». فروشگاه بزرگ نیست، تنوع مدل‌ها هم به پای فروشگاه‌های دیگر نمی‌رسد اما به نظر می‌رسد برای اغلب سلیقه‌ها چیزی برای ارائه داشته باشد. در قفسه این فروشگاه هم سه مدل کفش ورزشی بچگانه با علامت برندهای مشهور خارجی به چشم می‌خورد. از فروشنده می‌خواهم یک کفش شماره ۴۲ از همین جنس، برایم بیاورد. کفش‌هایی که او می‌آورد، برندهای متفاوتی دارند؛ نام‌هایی ناآشنا اما ایرانی. روی برند کفش اصرار می‌کنم؛ می‌گویم من همین برند فیک را می‌خواهم مهم نیست اصل باشد یا چینی، فقط برندش مهم است. آن‌گونه که فروشنده توضیح می‌دهد، کفش‌های ایرانی که برایم آورده جنسشان بد نیست، آن کفش‌هایی که برند مشهور خارجی دارند هم برندشان تقلبی و برای دل‌خوشی هستند. می‌گویم اینها از کجا وارد می‌شوند، می‌گوید از کهریزک.

من به بهانه اینکه قیمت کفش‌ها بالاست، از فروشنده می‌خواهم برایم کفش ارزان‌قیمتی بیاورد که بتوانم بخرم. می‌گویم کفش‌های چینی را بیاورد که زیاد وقتش گرفته نشود. او هم اصرار دارد به اینکه کفش چینی در فروشگاه کفش ملی پیدا نمی‌شود. پیرمرد یادی از گذشته‌ها می‌کند. می‌گوید زمانی که شما بچه بودی یا اصلا به دنیا نیامده بودی، زمان مرحوم ایروانی (بنیان‌گذار کفش ملی) ما به اروپا هم کفش صادر می‌کردیم. حالا وضع کفش ملی خراب شده و آن کارخانه‌هایی که آن‌روزها داشت را ندارد، فقط کفش‌هایی را از تولیدکنندگان دیگر می‌خرد و در سطح کشور عرضه می‌کند. او با دریغ از روزگار سپری‌شده کفش ملی سخن می‌گوید اما باز هم تأکید می‌کند لااقل هنوز نام کفش ملی، ملی مانده است.

دیگر حرفی بین من و فروشنده نمانده است گرچه من هنوز به‌دنبال سرنخی از کفش‌های چینی هستم. یکی از مشتریان که گویی چندروز پیش یک جفت کفش با نام هاکی مردانه را از این فروشگاه خریده است، کفش‌ها را روی پیشخوان می‌گذارد و ادعا می‌کند چسب پاشنه کفش باز شده است. کارتی هم به فروشنده می‌دهد که گویی شماره سفارش مشتری روی آن نوشته شده است. چنددقیقه بعد فروشنده کفش دیگری را به‌عنوان گارانتی محصول به مشتری تحویل می‌دهد و کفش‌های صدمه‌دیده را برای ارجاع به تولیدکننده کنار می‌گذارد. طبق اظهارات این فروشنده کفش ملی، همه محصولات ارائه‌شده در این فروشگاه‌ها تا سه‌ماه ضمانت دارند و در صورت نقص یا ایرادی در کفش، به کارخانه سازنده عودت داده می‌شوند.

کفش‌های اعیانی ملی در بالاشهر

یک سر طولانی‌ترین خیابان پایتخت به بالای شهر می‌رسد. اینجا فروشگاه‌هایی نسبتا بزرگ و شیک هستند که هرکدام ادعای نمایندگی برندی مشهور را دارند. فروشگاه کفش ملی این منطقه ظاهر متفاوتی نسبت به فروشگاه‌های قبلی دارد، هم از نظر وسعت و هم از نظر چیدمان محصولات چیزی از رقبای به‌ظاهر فرنگی خود کم ندارد. همچنین از نظر قیمت نیز گویا مناسبت چندانی بین این فروشگاه‌ها و فروشگاه‌های مرکز شهر وجود ندارد. در فروشگاه‌های قبلی کفش چرمی با قیمت ۵۸۰ هزار تومان به‌راحتی پیدا نمی‌شد؛ اما اینجا کافی است سر بچرخانی.

از فروشنده می‌خواهم برای انتخاب یک کفش راهنمایی‌ام کند. برخی از مشخصات دلخواهم را می‌گویم و در آخر تأکید می‌کنم کفش خارجی باشد. او می‌گوید کفش‌های ما همه ایرانی است؛ اما اگر منظور از خارجی‌بودن کفش جنس و ظاهر آن است، می‌تواند کفش‌هایی بیاورد که مشابه کفش‌های خارجی باشند. وقتی می‌گویم من کفش‌های خارجی را به خاطر قیمت مناسب انتخاب کرده‌ام، قیمت برخی از مدل‌های برندهای معروف در مغازه‌های آن منطقه را به اطلاعم می‌رساند؛ اما وقتی می‌فهمد منظورم برندهای فِیک چینی است، آب پاکی را روی دستم می‌ریزد و می‌گوید این نوع کفش را ندارند.

می‌خواستند کفش ملی را قبضه کنند

مدیرعامل اسبق کفش ملی در سال‌های ۸۷ تا ۸۹ در تماس تلفنی ماجرای فروش کفش‌های چینی در آن دوران را تأیید کرد. مهرعلی زیوری در گفت‌وگو با «شرق» به کسانی اشاره می‌کند که سردمدار بازار کفش هستند و عمده بازار کفش کشور را در اختیار دارند، او می‌گوید در آن دوران، یعنی در سال‌های ۸۷ تا ۸۹ نیز کفش ملی فقط کفش‌های ایمنی تولید می‌کرد؛ اما کیفیت این تولیدات به‌گونه‌ای بود که قابلیت صادرات نیز داشتند. طبق اظهارات زیوری، در آن زمان رایزنی‌هایی برای صادرات کفش به کشورهای عراق و افغانستان انجام شد؛ اما عده‌ای نگذاشتند این اتفاق بیفتد.

او از شخصی یاد می‌کند که در آن دوران واردکننده عمده کفش از چین بوده؛ اما از دست رئیس‌جمهوری وقت لوح صادرکننده نمونه می‌گیرد. مدیرعامل اسبق کفش ملی با این استدلال که سال‌هاست از این شرکت رفته و حالا علاقه‌ای به نبش‌قبر گذشته‌ها ندارد، از دلیل اتمام همکاری با کفش ملی می‌گوید؛ به گفته او در آن روزگار می‌خواستند کفش ملی را به‌عنوان حیات خلوت به دست چند کارخانه‌دار صنعت کفش بدهند.

زیوری به سابقه کفش ملی اشاره می‌کند، اینکه کفش ملی هم مانند ایران‌خودرو و ارج از برندهای قدیمی ایران است و دوران پرشکوهی هم داشته. از سابقه شرکت حرف می‌زند، اینکه زمانی ۱۰ تا ۱۱ هزار نفر نیروی کار داشته و محصولاتش به کشورهای اروپایی هم صادر می‌شده است. به نظر او جای شکرش باقی است که این شرکت با همه تاخت‌وتازی که به آن شد، هنوز سرپاست. می‌گوید در دورانی که مدیرعامل کفش ملی بوده است، فقط کفش‌های ایمنی تولید می‌کردند و بقیه کفش‌ها با قراردادهایی به صورت امانی با تولیدکنندگان دیگر، به دست کفش ملی می‌رسیده و در فروشگاه‌ها توزیع می‌شده است. او در پاسخ به اینکه آیا در زمان شما شرکت کفش ملی، کفش‌های چینی نیز می‌فروخته است یا نه، تأیید می‌کند؛ ولی این فروش را به یک دوره زمانی و یک محموله وارداتی محدود می‌کند. می‌گوید: «یکی از همین آقایانی که دو تا کارخانه کفش داشت، کفش‌های چینی وارد می‌کرد؛ اما گزارش‌های خلاف واقع می‌دادند، در همان سال‌ها هم از دست رئیس‌جمهوری وقت به‌عنوان صادرکننده نمونه کفش لوح تقدیر گرفت.

زیوری درباره احتمال اینکه حالا هم محصولات چینی در کفش ملی وجود داشته باشد، می‌گوید: من حالا کنار گود ایستاده‌ام، نه چیزی می‌دانم و نه حرفی می‌زنم که بتواند به‌دردبخور باشد. زمان ما آن آقا یک پارت کفش چینی وارد کرد و به شرکت‌ها و فروشندگان کفش فروخت و بلافاصله بازار تهران اشباع شد. آن زمان ما پیگیری کردیم و توانستیم شرکت چینی‌ای که آن محموله‌ها را به ایران فروخته بود، پیدا کنیم؛ در آن زمان هر جفت کفش حدود پنج هزار تومان برای آن شخص تمام شده بود و آن را به قیمت حدود ۲۲ هزار تومان به همین شرکت‌ها می‌فروخت. ادعا می‌کرد خودش تولید می‌کند؛ اما در یکی از موارد که زمان مدیریت من در کفش ملی انجام شد، با شرکت چینی تماس گرفتیم و قیمت را درآوردیم. آن زمان یک محموله کفش چینی وارد شرکت کفش ملی شد تا فروشگاه‌های کفش ملی را با همین کفش‌های چینی قبضه کنند؛ اما از آن به بعد را نمی‌دانم.

گذر

زیر و بم «گوهران امید» قبل از عرضه اولیه

● **سنا:** پنج درصد از سهام سرمایه‌گذاری توسعه گوهران امید، امروز برای کشف قیمت در فرابورس ایران عرضه اولیه خواهد شد. سیاوش وکیلی، مدیرعامل و عضو هیأت‌مدیره شرکت سرمایه‌گذاری توسعه گوهران امید، گفت: گوهران امید با سرمایه اولیه ۵۰میلیون‌تومانی در سال ۸۳ تأسیس شده که پس از دو مرحله افزایش سرمایه، سرمایه شرکت هم‌اکنون به ۲۰۰ میلیارد تومان رسیده است. شرکت پس از احراز کلیه شرایط پذیرش در شهریور سال ۹۴ به عنوان صدوبیست‌ویکمین نماد معاملاتی فرابورس و پنجاه‌ویکمین شرکت در بازار اول پذیرش شده است. وی افزود: مالک اصلی شرکت، گروه مدیریت سرمایه‌گذاری امید بوده و ۹۹،۴ درصد سرمایه‌گذاری‌های شرکت در سهام شرکت‌های بورسی و تنها ۰،۶درصد آن غیربورسی است. وکیلی درباره ترکیب دارایی‌های بورسی شرکت گفت: با احتساب خروج فولاد مبارکه از پرتفوی شرکت، مبلغ ۲۵۰ میلیارد تومان ارزش روز دارایی‌های شرکت است که ۲۹ درصد آن در محصولات شیمیایی، ۱۵ درصد رایانه و فعالیت‌های وابسته به آن،۱۰ درصد ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی، ۹ درصد مواد و محصولات دارویی، هفت درصد عرضه آب، گاز و بخار آب گرم، هفت درصد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، پنج درصد شرکت‌های چند رشته صنعتی و ۱۸ درصد در سایر صنایع سرمایه‌گذاری شده است. به عبارتی شرکت با توجه به رویکردش مبنی بر عرضه سهامش در فرابورس اقدام به اصلاح ساختار کرده و ۱،۵ درصد از سهام شرکت فولاد مبارکه را به ارزش ۱۸۰ میلیارد تومان در بازار سهام به فروش رسانده است. وی از شرکت‌های کارت اعتباری ایران‌کیش، صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس، ایران‌ترانسفو، پتروشیمی جم، پتروشیمی مبین، نفت و گاز پارسیان، هلدینگ دارویی تأمین و گروه مدیریت سرمایه‌گذاری امید به عنوان دیگر شرکت‌های ارزنده حاضر در پرتفولیوی شرکت یاد کرد. وکیلی با بیان اینکه در چندماهه اخیر اصلاح پرتفولیو صورت گرفته و استراتژی کلی شرکت، سرمایه‌گذاری در سهام با قیمت بنیادی و پشتوانه محکم و قرارنگرفتن در وضعیت اخذ کرسی‌های هیأت‌مدیره بوده، خاطرنشان کرد: این استراتژی سبب شده شرکت چابکی بیشتری داشته و سهامی را انتخاب کنیم که جزء صنایع پیشرو در بازار بوده و درصد تقسیم سود بالایی داشته باشد.